



ضرورت ثبات، آرامش، پایان جنگ و تقدم سیاست مدنی بر مداخله نظامی

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

این اصل تاکید کند که راه نجات، از مسیر کاهش تنش، تقویت دیپلماسی و بازگرداندن اولویت به منافع عمومی می‌گذرد.

در این میان، نقش تشکلهای صنفی، مردم‌نهاد، انجمن‌های حرفه‌ای و نهادهای مدنی نیز بسیار مهم است. این نهادها می‌توانند میان جامعه و ساختار رسمی، نقش واسطه ایفا کنند؛ مطالبات را به زبان روشن و غیرخشونت‌آمیز منتقل کنند، در برابر رادیکالیزه شدن فضا هشدار دهند و بر ضرورت صلح اجتماعی پافشاری کنند. جامعه‌ای که نهادهای واسطه آن فعال باشند، کمتر به سمت انفجارهای احساسی و تصمیم‌های پرهزینه رانده می‌شود.

پایان جنگ، فقط پایان شلیک نیست؛ پایان غلبه اضطراب بر زندگی روزمره مردم است. ثبات نیز تنها محصول توافقاتی دیپلماتیک نیست؛ نتیجه درک این حقیقت است که سیاست باید به دست سیاست‌ورزان پاسخ‌گو، مدنی و آینده‌نگر اداره شود. اگر قرار است بهار ۱۴۰۵ به فصل ترمیم بدل شود، باید از هم‌اکنون بر یک اصل توافق کرد: کشور را نمی‌توان به منطق میدان دائمی اداره کرد. ایران برای عبور از بحران، بیش از هر زمان دیگر به سیاست عاقلانه، گفت‌وگوی ملی و اولویت دادن به آرامش عمومی نیاز دارد

تازه روبه‌رو می‌شود، به تدریج از حالت مشارکت مدنی فاصله می‌گیرد و به سمت اضطراب جمعی، بی‌ثباتی ذهنی و خستگی اجتماعی رانده می‌شود.

این همان نقطه‌ای است که باید درباره نسبت میان سیاست و نهاد نظامی با صراحت بیشتری سخن گفت. در هر کشوری، نهادهای نظامی وظیفه‌ای مهم در حفظ امنیت سرزمینی دارند؛ اما هنگامی که منطق نظامی به عرصه تصمیم‌سازی سیاسی راه پیدا می‌کند، اولویت‌ها دگرگون می‌شود. سیاست، عرصه گفت‌وگو، مصالحه، محاسبه هزینه و فایده و حفظ منافع درازمدت ملت است. منطق نظامی اما در ذات خود بر دفع تهدید فوری، نمایش قدرت و پاسخ سریع استوار است. آمیختن این دو منطق، اگر بدون مرزبندی روشن صورت گیرد، می‌تواند کشور را از مسیر عقلانیت سیاسی خارج کند.

بهار ۱۴۰۵ برای ایران، اگر با تداوم تنش‌های منطقه‌ای و فشارهای متراکم داخلی همراه شود، می‌تواند فصل دشواری باشد. جامعه‌ای که هم‌زمان با فشار معیشتی، نگرانی امنیتی و احساس بی‌افقی سیاسی روبه‌رو است، بیش از هر چیز به صدای آرام‌کننده نیاز دارد؛ صدایی که از دل حاکمیت، نخبگان، رسانه‌ها و نهادهای مدنی برخیزد و بر

ثبات، آرامش و پایان جنگ؛ چرا سیاست باید از سایه مداخله نظامی بیرون بیاید؟



در آستانه بهار ۱۴۰۵، ایران و منطقه بیش از هر زمان دیگر به یک واژه نیاز دارند: ثبات. ثبات نه به معنای سکون و انفعال، بلکه به معنای بازگشت عقل سیاسی به جایگاه اصلی خود؛ همان جایی که تصمیم‌های بزرگ باید با سنجش منافع ملی، ظرفیت اجتماعی، توان اقتصادی و افق صلح اتخاذ شوند، نه با شتاب، هیجان یا غلبه نگاه نظامی بر امر سیاسی.

در سال‌های اخیر، منطقه ما بارها شاهد آن بوده که هرگاه زبان سیاست ضعیف شده، صدای بحران بلندتر شده است. تنش‌های امنیتی، تهدیدهای نظامی، جنگ‌های نیابتی، و رقابت‌های فرساینده، نه‌تنها مرزهای جغرافیایی را ناامن کرده‌اند، بلکه روان جامعه را نیز فرسوده‌اند. در چنین فضایی، نخستین قربانی، اعتماد عمومی است. جامعه‌ای که هر روز با خبر تهدید، درگیری، پاسخ متقابل یا هشدار

تجربه اجتماعی تنش؛ بازتاب بحران سیاسی-امنیتی در روان عمومی ایران

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم



منطقه‌ای، هشدارهای امنیتی و تعلیق در تصمیم‌گیری‌های کلان همراه باشد، برای جامعه ایران نه فقط یک دوره خبری، بلکه یک تجربه عاطفی و روانی خواهد بود.

مردم در روزهای تنش، پیش از آنکه تحلیل‌گر سیاست باشند، دریافت‌کننده فشارند. آن‌ها نوسان بازار را می‌بینند، شایعات را می‌شنوند، آینده کوتاه‌مدت خود را مبهم می‌یابند و نسبت به تصمیم‌هایی که در جایی دور از زندگی روزمره‌شان گرفته

سیاست در روزگار اضطراب؛ جامعه ایران چگونه تنش‌های بهار ۱۴۰۵ را تجربه کرد؟

سیاست، تنها در ساختمان‌های اداری و اتاق‌های تصمیم‌گیری جریان ندارد؛ اثر واقعی آن را باید در خیابان، خانه، بازار، مدرسه و ذهن مردم دید. هرگاه فضای سیاسی با نشانه‌های تنش امنیتی آمیخته می‌شود، نخستین نشانه بحران را نه در بیانیه‌ها، بلکه در رفتار روزمره جامعه می‌توان مشاهده کرد. بهار ۱۴۰۵، اگر با سایه درگیری‌های

دیپلماسی یا تشدید بحران؛ نسبت منافع ملی با تصمیم‌های امنیتی در بهار ۱۴۰۵

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

در دوره‌های بحرانی، یک پرسش قدیمی دوباره زنده می‌شود: آیا قدرت ملی با افزایش تنش تثبیت می‌شود یا با توانایی در مهار بحران؟ پاسخ این پرسش، برای ایران در بهار ۱۴۰۵ بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. زیرا کشور در وضعیتی قرار گرفته که هر تصمیم امنیتی، تنها یک پیام نظامی ندارد؛ بلکه اثری مستقیم بر اقتصاد، افکار عمومی، روابط خارجی و حتی چشم‌انداز همبستگی داخلی می‌گذارد.

سال‌هاست که در ادبیات رسمی منطقه، امنیت اغلب با بازدارندگی سخت تعریف می‌شود. اما تجربه نشان داده است که امنیت، اگر از مسیر سیاست نگذرد، به بحران ممتد بدل می‌شود. بازدارندگی بدون دیپلماسی، مثل دیواری است که شاید مدتی ضربه را متوقف کند، اما راه خروج از محاصره را نشان نمی‌دهد. در مقابل، دیپلماسی بدون پشتوانه اقتدار نیز ممکن است به ضعف تعبیر شود. هنر حکمرانی، نه در حذف یکی به سود دیگری، بلکه در تنظیم نسبت معقول میان آن‌هاست.

منافع ملی، مفهومی گسترده‌تر از نمایش قدرت لحظه‌ای است. منافع ملی یعنی حفظ جان مردم، کاهش هزینه‌های فرسایشی، صیانت از ثبات اقتصادی، جلوگیری از انزوای خطرناک و تقویت انسجام داخلی. اگر هر بحران منطقه‌ای به

دیپلماسی آب در خاورمیانه؛ بستری برای همکاری یا پیشران بحران‌های زیست‌محیطی

یادداشت - مهدی کیان

دیپلماسی آب از طریق فرمول‌های تسهیم عادلانه آب، تبادل داده‌های هیدرولوژیکی به‌صورت شفاف، سرمایه‌گذاری‌های مشترک در مدیریت آبخیزداری و مهار مشترک پدیده گرد و غبار، عمل می‌کند. نهادهای سازشی این فرآیندها، پیش‌بینی‌ناپذیری‌های ناشی از تغییر اقلیم را مدیریت‌پذیر می‌سازد و زمینه را برای گفتگوهای گسترده‌تر سیاسی فراهم می‌کند.

علاوه بر این، به‌کارگیری فناوری‌های نوین نظیر تصفیه و بازچرخانی پساب‌ها، شیرین‌سازی آب دریا با انرژی‌های نو و بهسازی راندمان مصرف آب در بخش کشاورزی در سراسر منطقه، نیاز به برداشت از منابع آب‌های سطحی مشترک را کاهش می‌دهد. کشورهای منطقه می‌توانند با تشکیل کارگروه‌های علمی و تخصصی مشترک، دانش مدیریت آب در شرایط بحرانی را به اشتراک بگذارند.

در نهایت، آب پیونددهنده زندگی و حیات در پهنه خاورمیانه است. پذیرش این واقعیت که پایداری زیست‌محیطی منطقه تفکیک‌ناپذیر است، گام اول در جهت شکل‌گیری یک دیپلماسی منسجم و سازنده در حوزه آب خواهد بود؛ دیپلماسی که آب را نه به‌عنوان ابزار فشار، بلکه به عنوان نماد همکاری و حیات مشترک تعریف می‌کند.

با شروع فصل زمستان، تنها دمای هوا تغییر نمی‌کند؛ الگوی وقوع بسیاری از حوادث و مشکلات رک‌آبی شدید و خشکسالی‌های مکرر، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را به یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط جهان از نظر منابع آب تبدیل کرده است. در این جغرافیای کم‌بارش، بسیاری از رودخانه‌ها، تالاب‌ها و آبخوان‌ها مرزهای سیاسی را درمی‌نوردند و به‌صورت مشترک میان کشورها جریان دارند. مدیریت این حوضه‌های آبریز مشترک، در صورت نبود سازوکارهای حقوقی شفاف، می‌تواند به تنش‌های منطقه‌ای دامن بزند؛ اما در مقابل، «دیپلماسی فعال آب» می‌تواند این تهدید را به فرصتی برای همکاری تبدیل کند.

رودخانه‌های بزرگی مانند دجله، فرات، نیل و هیرمند، رگ‌های حیاتی تمدن‌های منطقه هستند. سدسازی‌های یک‌جانبه، انحراف مسیر آب‌ها و مصرف بی‌رویه بالادست، بدون توجه به حقایق‌های زیست‌محیطی پایین‌دست، پیامدهای جبران‌ناپذیری مانند خشکیدن تالاب‌ها، طوفان‌های گرد و غبار، نابودی کشاورزی محلی و مهاجرت‌های انبوه انسانی را به دنبال دارد. در نتیجه، امنیت زیست‌محیطی کشورها به شدت به رفتار هیدرولوژیک همسایگان گره خورده است.

کلید حل این چالش پیچیده، توسعه و پایبندی به معاهدات حقوقی دوجانبه و چندجانبه است.

امنیت زیستی و پیشگیری از اپیدمی‌ها؛ راهبردهای ملی در حوزه سلامت

یادداشت - رسول کیان

یکی از ستون‌های اساسی امنیت زیستی، بومی‌سازی و توسعه زیرساخت‌های واکسیناسیون و داروسازی است. اتکا به توان علمی داخلی در زمینه تولید فرآورده‌های بیولوژیک و کیت‌های تشخیص دقیق، پایداری نظام سلامت را در برابر شوک‌های بین‌المللی افزایش می‌دهد. در کنار آن، وجود شبکه‌های آزمایشگاهی مرجع با استانداردهای بالای ایمنی، این امکان را فراهم می‌سازد که ویروس‌ها و باکتری‌های جدید در کوتاه‌ترین زمان ممکن شناسایی و توالی‌یابی شوند.

از منظر پژوهشی، پیشگیری از بحران‌های بهداشتی بدون مشارکت آگاهانه مردم ممکن نیست. آموزش همگانی، ترویج سبک زندگی پیشگیرانه و دسترسی عادلانه به امکانات درمانی، به شهروندان کمک می‌کند تا خود به اولین سد دفاعی در برابر شیوع بیماری‌ها تبدیل شوند. شفافیت در اطلاع‌رسانی علمی و ارتقای سواد سلامت جامعه، پادزهری در برابر شایعات و اضطراب‌های بی‌پایه است و همکاری عمومی را با برنامه‌های کلان بهداشتی تسهیل می‌کند.

در نهایت، مدیریت امنیت زیستی نیازمند هماهنگی میان‌بخشی گسترده میان وزارت بهداشت، سازمان‌های محیط‌زیستی، نهادهای علمی و تشکلهای مدنی است. مهار اپیدمی‌ها تنها یک مسئله پزشکی نیست، بلکه نیازمند رویکردی سیستمی، علمی و پیشگیرانه است که ثبات، پایداری و آرامش اجتماعی جامعه را در برابر خطرات بیولوژیک تضمین کند.

در ماه‌های اخیر، بازار داخلی ایران وارد مرحله‌ای از بازتعریف رفتار مصرف‌کنندگان و تغییر الگوهای محفظ پایداری بهداشتی و پیشگیری از شیوع اپیدمی‌های زیستی، یکی از ابعاد کلیدی پایداری اجتماعی و امنیت عمومی در دنیای امروز است. در جهان به‌هم‌پیوسته کنونی، بیماری‌های نوپدید و بازپدید با سرعتی بی‌سابقه مرزها را درمی‌نوردند و هرگونه تاخیر در شناسایی یا مهار آن‌ها، فراتر از تهدید سلامت افراد، می‌تواند چرخه‌های اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی را با چالش مواجه کند. از این رو، تدوین راهبردهای ملی پیشگیرانه و تقویت نظارت‌های اپیدمیولوژیک، نقشی اساسی در صیانت از سلامت عمومی جامعه دارد.

وزارت بهداشت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به‌عنوان متولی اصلی این حوزه، با تکیه بر شبکه‌های پایش بهداشتی و مراکز مدیریت بیماری‌های واگیر، نقشی تعیین‌کننده در مهار خطرات احتمالی ایفا می‌کند. این اقدامات شامل تقویت نظارت بر مرزها، قرنطینه‌های بهداشتی دقیق، نمونه‌برداری مستمر و فعال‌سازی سامانه‌های هشدار زودهنگام در سراسر کشور است. هدف اصلی این زنجیره پایش، کشف الگوهای مشکوک بیماری‌ها پیش از تبدیل شدن به بحران‌های اجتماعی و بهداشتی است که می‌تواند ثبات روزمره جامعه را به مخاطره اندازد.

امنیت غذایی جهانی؛ ضرورت‌های همکاری چندجانبه در عصر بحران‌های اقلیمی

یادداشت - رسول کیان

به خشکی و شوری، بهینه‌سازی شدید مصرف آب از طریق شیوه‌های نوین آبیاری، بهبود کیفیت خاک و بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال در پیش‌بینی شرایط جوی است. تحقیق و توسعه علمی در این حوزه‌ها، کلید بقای کشاورزی در مناطق خشک و نیمه‌خشک است.

از منظر همکاری‌های چندجانبه، نقش سازمان‌های بین‌المللی مانند فائو در هماهنگی کمک‌های فنی، انتقال دانش و مدیریت ذخایر اضطراری اهمیت بالایی دارد. توزیع عادلانه اطلاعات بازار و جلوگیری از رفتارهای احتیاطی افراطی کشورها در ذخیره‌سازی، به کنترل نوسانات شدید قیمت‌ها کمک می‌کند.

در نهایت، تحقق امنیت غذایی پایدار مستلزم درک این واقعیت است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به حل کامل این چالش نیست. همکاری‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاری مشترک در فناوری‌های نوین کشاورزی و پاسداشت منابع طبیعی، تنها راه‌های تضمین سفره‌ای پایدار و مطمئن برای نسل‌های امروز و فردا است.

تأمین پایدار و عادلانه غذا برای جمعیت رو به رشد جهان، به یکی از چالش‌های بنیادین جامعه بشری تبدیل شده است. بحران‌های اقلیمی مانند خشکسالی‌های پیاپی، تغییر الگوهای بارش، بیابان‌زایی و گرمایش زمین، به همراه نوسانات زنجیره تأمین کالا در پی تنش‌های بین‌المللی، ثبات دسترسی به مواد غذایی را در بسیاری از مناطق جهان تهدید می‌کنند. امنیت غذایی دیگر یک مسئله صرفاً کشاورزی یا اقتصادی نیست، بلکه یکی از ستون‌های ثبات اجتماعی و صلح پایدار به شمار می‌رود.

بخش بزرگی از چالش امنیت غذایی ریشه در ساختار زنجیره توزیع جهانی دارد. تمرکز تولید برخی غلات کلیدی در چند کشور محدود، زنجیره تأمین را در برابر بحران‌های سیاسی یا بلایای طبیعی بسیار آسیب‌پذیر می‌کند. هنگامی که بنادر مهم، مسیرهای تجاری یا کریدورهای ترانزیتی با اختلال مواجه شوند، اثرات آن به سرعت به شکل تورم مواد غذایی و کمبود کالا در دورافتاده‌ترین مناطق نمایان می‌شود. از این رو، تنوع‌بخشی به مبادی وارداتی و توسعه انبارداری استراتژیک از گام‌های کلیدی پیشگیرانه است.

تعیین اقلیم نیز کشاورزی سنتی را با محدودیت‌های شدیدی مواجه کرده است. برای مقابله با این روند، انتقال به سمت «کشاورزی هوشمند و پایدار» ضرورت دارد. این رویکرد شامل استفاده از بذره‌های مقاوم

بازار کار و انتظارات اقتصادی در آغاز سال

یادداشت-فرشته کیان

بازار کار در آغاز سال؛ خوانشی تحلیلی از بهار ۱۴۰۵

بازار کار از جمله حوزه‌هایی است که تحولات آن معمولاً با اندکی فاصله از رخدادهای کلان آشکار می‌شود، اما نشانه‌های آن از همان ماه‌های آغازین سال قابل مشاهده است. به همین دلیل، سه‌ماهه نخست سال را می‌توان دوره‌ای مهم برای ارزیابی جهت‌گیری اشتغال، رفتار بنگاه‌ها و کیفیت انتظارات اقتصادی دانست. در بهار ۱۴۰۵ نیز بازار کار ایران در شرایطی قرار دارد که تحلیل آن می‌تواند درک دقیق‌تری از پیوند میان محیط عمومی اقتصاد و تصمیم‌های شغلی به دست دهد.

در هر اقتصادی، استخدام و توسعه اشتغال معمولاً به میزان اطمینان بنگاه‌ها نسبت به آینده وابسته است. بنگاه اقتصادی زمانی برای جذب نیروی جدید، توسعه فعالیت یا افزایش تولید تصمیم‌گیری می‌کند که بتواند چشم‌اندازی نسبتاً روشن از هزینه‌ها، تقاضا و شرایط عملیاتی خود داشته باشد. در نتیجه، هرچه فضای اقتصادی از ثبات بیشتری برخوردار باشد، امکان تصمیم‌گیری برای اشتغال‌زایی نیز بیشتر می‌شود. برعکس، در شرایطی که افق آینده با ابهام بیشتری همراه است، رفتار بنگاه‌ها به سمت احتیاط سوق پیدا می‌کند.

بهار ۱۴۰۵ از این نظر دوره‌ای مهم است، زیرا می‌تواند نشان دهد که بازار کار ایران تا چه اندازه از سطح پیش‌بینی‌پذیری محیط اقتصادی اثر می‌گیرد. این اثرگذاری، لزوماً به شکل کاهش ناگهانی اشتغال ظاهر نمی‌شود، بلکه گاه در قالب تعویق استخدام، گسترش قراردادهای موقت، افزایش احتیاط در سرمایه‌گذاری و تغییر ترکیب فرصت‌های شغلی بروز می‌کند. بنابراین، برای فهم وضعیت واقعی بازار کار، صرفاً اتکا به ارقام کلی کافی نیست و باید کیفیت اشتغال را نیز در نظر گرفت.

یکی از موضوعات مهم در این زمینه، جایگاه نیروی کار جوان و فارغ‌التحصیلان است. این گروه معمولاً نخستین بخشی است که از تغییرات انتظارات اقتصادی اثر می‌پذیرد، زیرا ورود آن‌ها به بازار کار به میزان تحرک بنگاه‌ها و ظرفیت جذب فرصت‌های جدید وابسته است. در کنار آن، شاغلان بخش خصوصی نیز بیشتر از سایر گروه‌ها



مبنای مناسبی برای تحلیل باشند، اما تفسیر آن‌ها نیازمند توجه به بستر کلی اقتصاد است. بازار کار تنها بر اساس آمار تعریف نمی‌شود؛ بلکه از رفتار بنگاه، انتظار خانوار، تحرک سرمایه و چشم‌انداز عمومی اقتصاد تاثیر می‌پذیرد. به همین دلیل، مطالعه بازار کار در آغاز سال، نوعی مطالعه درباره جهت حرکت اقتصاد نیز هست.

بهار ۱۴۰۵ می‌تواند از این حیث، دوره‌ای مهم برای سنجش ظرفیت اقتصاد ایران در حفظ تعادل بازار کار باشد. هرچه فضای عمومی پیش‌بینی‌پذیرتر باشد، امکان تصمیم‌گیری مطمئن‌تر برای نیروی کار و فعالان اقتصادی نیز بیشتر خواهد شد. در نهایت، اشتغال را باید نه فقط یک شاخص اقتصادی، بلکه یکی از نشانه‌های اصلی ثبات و پویایی اجتماعی دانست.

نوسانات محیط اقتصادی را حس می‌کنند، چون امنیت شغلی آنان به وضعیت کسب‌وکارها و روند تقاضا پیوند خورده است.

از منظر پژوهشی، کیفیت اشتغال نیز اهمیتی هم‌سنگ با کمیت آن دارد. حتی در شرایطی که سطح اشتغال ظاهراً حفظ می‌شود، افزایش سهم مشاغل ناپایدار یا کم‌درآمد می‌تواند پیام متفاوتی درباره وضعیت بازار کار بدهد. از این رو، بررسی بازار کار در بهار ۱۴۰۵ باید همزمان به نرخ‌های رسمی و به تجربه زیسته نیروی کار توجه داشته باشد؛ تجربه‌ای که در آن دوام شغل، سطح درآمد و امکان برنامه‌ریزی برای آینده، بخش مهمی از ارزیابی اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

در این میان، گزارش‌های فصلی و داده‌های رسمی می‌توانند

دانشگاه، نوآوری و چالش‌های نهادی آموزش عالی در مسیر توسعه

یادداشت-دکتر علی نوائی

دولتی به بودجه‌های عمومی، انعطاف‌پذیری مالی آن‌ها را کاهش داده و پیگیری برنامه‌های توسعه‌ای بلندمدت را دشوار می‌سازد. تنوع‌بخشی به منابع درآمدی از طریق تجاری‌سازی دستاوردهای پژوهشی، ارتقای قراردادهای صنعتی و جذب سرمایه‌های غیردولتی، می‌تواند استقلال مالی و علمی دانشگاه‌ها را بهبود بخشد.

علاوه بر این، توجه به علوم انسانی و اجتماعی در کنار علوم فنی و پزشکی ضرورت دارد. توسعه همه‌جانبه نیازمند نگاهی کل‌نگر است؛ علوم انسانی ابزار درک پدیده‌های اجتماعی، سیاست‌گذاری عمومی و حل بحران‌های انسانی را فراهم می‌کند. هرگونه ضعف در این حوزه، کارکرد دانشگاه را در مواجهه با چالش‌های پیچیده جامعه تضعیف می‌کند.

در نهایت، پویایی دانشگاه در گرو حفظ فضای آزاد علمی، ارتقای شایسته‌سالاری و ایجاد پیوندهای مستحکم با جامعه است. نظام آموزش عالی زمانی می‌تواند رسالت تاریخی خو

دانشگاه در جوامع امروز نقشی فراتر از یک نهاد آموزشی ساده ایفا می‌کند؛ دانشگاه موتور محرک توسعه علمی، بازوی فکری سیاست‌گذاری و خاستگاه خلاقیت و نوآوری است. در دوران گذار به اقتصاد دانش‌بنیان، کارآمدی و پویایی نظام آموزش عالی، تعیین‌کننده جایگاه یک کشور در زنجیره ارزش جهانی است. با این حال، ایفای بهینه این نقش با چالش‌های نهادی و ساختاری همراه است که نیازمند تحلیل عمیق و ارائه راهکارهای علمی است.

یکی از چالش‌های اصلی، پیوند میان سرفصل‌های آموزشی و نیازهای واقعی بازار کار است. آموزش‌های تئوریک محض، فارغ‌التحصیلانی تربیت می‌کنند که در مواجهه با مسائل عملی حوزه صنعت و خدمات با دشواری روبه‌رو می‌شوند. برای حل این مسئله، بازنگری در برنامه‌های درسی با هدف افزایش مهارت‌محوری، توسعه دوره‌های کارآموزی واقعی و تقویت پروژه‌های مشترک میان دانشگاه و صنعت اهمیت اساسی دارد. دانشگاه‌ها باید به‌تدریج از نسل‌های سنتی آموزش‌محور به سمت نسل‌های پژوهش‌محور و کارآفرین حرکت کنند.

ساختار اداری و بودجه‌ای آموزش عالی نیز نیازمند بازاندیشی است. وابستگی شدید دانشگاه‌های

ادامه تجربه اجتماعی تنش؛ بازتاب بحران سیاسی-امنیتی در روان عمومی ایران

می‌شود، بازار کار به کدام سو می‌رود، یا آیا تنش سیاسی به بحرانی تازه تبدیل خواهد شد یا نه؟!، در واقع بخشی از امنیت خود را از دست داده است؛ حتی اگر در خیابان درگیری مستقیمی وجود نداشته باشد.

بهار ۱۴۰۵، از این منظر، فقط میدان آزمون دولت و نهادهای رسمی نیست؛ آزمون بلوغ جامعه نیز هست. جامعه‌ای که بتواند در برابر فشار، به سمت گفت‌وگو، همبستگی و مطالبه‌گری مدنی حرکت کند، کمتر در دام ترس و فرسودگی گرفتار می‌شود. اما این بلوغ اجتماعی، بدون شفافیت سیاسی، پاسخ‌گویی نهادی و تقویت تشکلهای میانجی به دست نمی‌آید. تجربه تنش، اگر درست مدیریت نشود، می‌تواند به بی‌اعتمادی مزمن تبدیل شود؛ و اگر درست فهم شود، شاید به نقطه‌ای برای بازسازی رابطه دولت و جامعه بدل گردد.

این‌جاست که مسئولیت رسانه و نهادهای میانی برجسته می‌شود. اگر تشکلهای صنفی، انجمن‌های دانشگاهی، کانون‌های حرفه‌ای، نهادهای محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد در صحنه باشند، می‌توانند بخشی از این اضطراب را به گفت‌وگوی اجتماعی تبدیل کنند. آن‌ها قادرند مطالبات را صورت‌بندی کنند، از رادیکال شدن فضای اجتماعی جلوگیری کنند و به جامعه نشان دهند که هنوز امکان حرف زدن، شنیده شدن و پیگیری قانونی وجود دارد. نبود این نهادهای واسطه، جامعه را مستقیم در برابر فشار سیاسی قرار می‌دهد و میدان را برای واکنش‌های خام و عصبی باز می‌کند.

از سوی دیگر، سیاست‌گذار نیز باید بداند که امنیت فقط با ابزار سخت حفظ نمی‌شود. امنیت پایدار، به حس پیش‌بینی‌پذیری در زندگی مردم وابسته است. وقتی خانواده‌ای نداند فردا قیمت‌ها چه

می‌شود، احساس بی‌قدرتی می‌کنند. این احساس بی‌قدرتی، یکی از خطرناک‌ترین پیامدهای بحران سیاسی است؛ زیرا فاصله شهروند و ساختار تصمیم‌گیری را بیشتر می‌کند و اعتماد عمومی را فرسایش می‌دهد.

در چنین شرایطی، جامعه چند واکنش هم‌زمان نشان می‌دهد. بخشی از مردم به سمت احتیاط معیشتی می‌روند؛ خریدهای ضروری را جلو می‌اندازند، هزینه‌های غیرضروری را حذف می‌کنند و نگاه‌شان به آینده کوتاه‌تر می‌شود. بخشی دیگر دچار خستگی خبری می‌شوند؛ یعنی هرچند بحران را حس می‌کنند، اما دیگر توان پیگیری مستمر اخبار را ندارند. گروهی هم به سمت بازنشر شایعه و تحلیل‌های هیجانی کشیده می‌شوند؛ نه از سر بدخواهی، بلکه از آن رو که در خلأ اطلاع‌رسانی شفاف، هر روایت غیررسمی می‌تواند جدی گرفته شود.

ادامه دیپلماسی یا تشدید بحران؛ نسبت منافع ملی با تصمیم‌های امنیتی در بهار ۱۴۰۵

آنچه امروز بیش از هر چیز لازم است، بازتعریف مفهوم قدرت است. قدرت فقط در توان پاسخ نیست؛ در توان خودداری، در توان مذاکره، در توان اجماع‌سازی داخلی و در توان پایان دادن به چرخه فرسایش نیز هست. اگر ایران بخواهد در بهار ۱۴۰۵ از میدان بحران عبور کند، باید بیش از هر زمان دیگری به این فهم برسد که سیاست موفق، سیاستی است که از آستانه جنگ عبور نکند، بلکه کشور را از لبه آن دور کند. این همان نقطه‌ای است که دیپلماسی از یک انتخاب فرعی به یک ضرورت ملی تبدیل می‌شود

دیپلماسی، نه به عنوان ابزار تبلیغاتی، بلکه به عنوان ستون اصلی مدیریت بحران فعال شود.

در این میان، نقش احزاب، تشکلهای سیاسی قانونی، انجمن‌های تخصصی و نهادهای مدنی را نیز نباید نادیده گرفت. این نهادها می‌توانند در فضای عمومی، از اقتادن کشور به دو قطب‌های تند جلوگیری کنند. آن‌ها قادرند گفتمان منافع ملی را از انحصار زبان امنیتی خارج کنند و آن را به زبان زندگی مردم، معیشت، صلح و آینده ترجمه کنند. جامعه‌ای که فقط از زاویه تقابل به سیاست نگاه کند، به تدریج ظرفیت گفت‌وگوی عقلانی خود را از دست می‌دهد.

شکلی مدیریت شود که بازار داخلی متلاطم، جامعه مضطرب، و آینده مبهم‌تر شود، باید پرسید آیا این مسیر واقعاً در خدمت منافع ملی است یا تنها به تداوم منطق بحران کمک می‌کند؟

بهار ۱۴۰۵ می‌تواند از این نظر یک فصل تعیین‌کننده باشد. اگر تحولات منطقه‌ای به سمت برخوردهای متراکم‌تر برود، ایران ناگزیر با فشار تصمیم‌گیری روبه‌رو خواهد شد. در این نقطه، تقدم با چه باید باشد؟ پاسخ روشن است: تقدم با سیاستی است که هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی جنگ را پیش از هر اقدام بسنجد. جامعه‌ای که زیر بار فشار معیشتی است، تاب‌پذیرش بحران‌های بلندمدت تازه را ندارد. بنابراین، عقل سیاسی ایجاب می‌کند که

ارتقای سلامت محیط کار؛ ضرورتی برای پویایی سازمان‌ها و ادارات

یادداشت-رسول کیان

ارتقای سلامت محیط کار؛ ضرورتی برای پویایی سازمان‌ها و ادارات

سلامت کارکنان، سرمایه‌ای ارزشمند برای هر سازمان است. با ایجاد محیط کاری سالم، بهره‌وری را افزایش دهیم و آینده‌ای پویا بسازیم.

- سلامت جسمی و روانی:** کاهش استرس و بیماری‌ها، افزایش رضایت و انگیزه
- افزایش بهره‌وری:** کارکنان سالم، کارآمدتر و خلاق‌تر خواهند بود
- کاهش غیبت و Turnover:** محیط کار سالم، ماندگاری و تعهد سازمانی را تقویت می‌کند
- محیط کار ایمن و استاندارد:** پیشگیری از حوادث و بیماری‌های شغلی، یک مسئولیت همگانی است
- سازمانی پویا و موفق:** سلامت محیط کار، پایه‌ای برای رشد پایدار و رقابت‌پذیری سازمان‌ها

سرمایه‌گذاری در سلامت محیط کار، سرمایه‌گذاری در آینده سازمان است.

عملکرد سازمانی بهتر | روحیه تیمی قوی‌تر | رضایت شغلی بیشتر | تمرکز و خلاقیت بالاتر | ایمنی بیشتر

ارباب رجوع متعدد، در غیاب تهویه مناسب و نظارت بهداشتی دقیق، می‌تواند به کانون انتقال بیماری‌ها تبدیل شود. بنابراین، تقویت پروتکل‌های بهداشتی، توزیع ملزومات لازم و آموزش مداوم کارکنان، ضامن تداوم خدمات‌رسانی بدون وقفه و حفظ پایداری ساختار اداری در شرایط نوسانات بهداشتی فصلی است.

در نهایت، پویایی اداری زمانی محقق می‌شود که سلامت و ایمنی نیروی کار به‌عنوان اولویت راهبردی سازمان شناخته شود. پیاده‌سازی استانداردهای بهداشتی جامع در ادارات، ضمن صیانت از نیروی انسانی، الگویی از احترام به حقوق شهروندی و ارتقای سرمایه اجتماعی را در جامعه به نمایش می‌گذارد.

سلامت نیروی کار در سازمان‌ها و نهادهای اداری، یکی از ارکان اصلی بهره‌وری و پویایی نظام اداری هر کشور است. بخش مهمی از زندگی روزانه شهروندان در محیط‌های کاری سپری می‌شود و کیفیت بهداشتی، فیزیکی و روانی این فضاها به‌طور مستقیم بر کیفیت عملکرد کارکنان و رضایت مراجعه‌کنندگان اثرگذار است. از این منظر، بهداشت محیط کار تنها به معنای پاکیزگی ظاهری نیست، بلکه زنجیره‌ای از استانداردهای ایمنی، مهندسی عوامل انسانی (ارگونومی)، بهداشت روانی و پیشگیری از فرسودگی شغلی را شامل می‌شود که نیازمند بازنگری مداوم و علمی است.

در تحلیل وضعیت بهداشت اداری، نخستین گام توجه به جنبه‌های فیزیکی کار است. بسیاری از بیماری‌های مفصلی، اسکلتی و عوارض ناشی از کم‌تحركی در میان کارکنان اداری، ریشه در طراحی غیراستاندارد فضاها، صندلی‌ها و چیدمان تجهیزات دارد. ارتقای استانداردهای ارگونومیک در ادارات، فراتر از یک هزینه کوتاه‌مدت، سرمایه‌گذاری بلندی برای حفظ سرمایه انسانی و کاهش هزینه‌های درمانی و مرخصی‌های استعلاجی به شمار می‌رود. برنامه‌هایی مانند معاینات ادواری، بهینه‌سازی نور و تهویه مطبوع، گام‌هایی پایه‌ای برای بهبود کیفیت کارایی کارکنان هستند.

از سوی دیگر، بهداشت روانی محیط کار سهم بسزایی در ارتقای بهره‌وری دارد. تنش‌های ناشی از حجم کار، نبود شفافیت در وظایف، فرآیندهای اداری فرساینده و ضعف در ارتباطات سازمانی، می‌توانند سلامت روان کارکنان را تحت تاثیر قرار دهند. ایجاد محیطی که در آن گفت‌وگو، احترام متقابل و سازوکارهای کاهش استرس نهادینه شده باشد، زمینه‌ساز تعهد سازمانی و خلاقیت شغلی خواهد بود. مدیریت منابع انسانی در ادارات باید به‌جای تمرکز صرف بر کنترل ساعت حضور، به سلامت ذهنی و انگیزش درونی نیروی کار توجه کند.

از منظر پژوهشی، رعایت دقیق شیوه‌نامه‌های بهداشتی در ادارات، نقشی پیشگیرانه در مهار شیوع بیماری‌های واگیردار فصلی دارد. تراکم افراد در فضاهای بسته اداری و

پیوند معیشت و سیاست؛ چرا بحران اقتصادی از التهاب سیاسی جدا نیست

یادداشت - مهدی کیان

جامعه میان فشار اقتصادی و التهاب سیاسی؛ چرا گفت‌وگو از نان و امنیت جدا نیست؟

در بسیاری از تحلیل‌های رسمی، اقتصاد و سیاست دو حوزه جداگانه معرفی می‌شوند؛ گویی می‌توان از معیشت مردم سخن گفت، بی‌آنکه به فضای سیاسی و امنیتی پیرامون آن اشاره کرد. اما واقعیت جامعه ایران چیز دیگری است. در کشوری که بازار به خبر حساس است، قیمت‌ها از تنش اثر می‌گیرند، و افق سرمایه‌گذاری با سطح ثبات سیاسی پیوند خورده، نمی‌توان نان را از امنیت و امنیت را از سیاست جدا کرد.

جامعه این پیوند را بهتر از هر تحلیل‌گری می‌فهمد. برای خانواده‌ای که هر روز با تغییر قیمت، تردید در آینده شغلی و کاهش توان برنامه‌ریزی روبه‌رو است، بحران سیاسی یک مفهوم انتزاعی نیست. این بحران در اجاره خانه، در خرید روزانه، در نگرانی از آینده فرزندان و در ترس از فرسایش بیشتر درآمد معنا پیدا می‌کند. به همین دلیل است که هر سخن از ثبات سیاسی، اگر با اثر آن بر زندگی روزمره مردم همراه نباشد، برای افکار عمومی قانع‌کننده نخواهد بود.

فشار اقتصادی در دوره‌های تنش، تنها به افزایش قیمت‌ها محدود نمی‌شود. نااطمینانی، مهم‌ترین ضربه را وارد می‌کند. وقتی تولیدکننده نداند افق بازار چگونه خواهد بود، سرمایه‌گذاری را عقب می‌اندازد. وقتی کارفرما از آینده نگران باشد، استخدام را محدود می‌کند. وقتی کارگر و کارمند از ارزش واقعی دستمزد خود مطمئن نباشند، کیفیت زندگی کاهش می‌یابد و احساس نارضایتی انباشته می‌شود. به این ترتیب، التهاب سیاسی به زبان اقتصادی ترجمه می‌شود و از سطح کلان به عمق جامعه نفوذ می‌کند.

تا راه‌حل‌ها تنها از بالا دیکته نشود.

سیاست‌گذار نیز اگر به دنبال آرام‌سازی واقعی است، باید بپذیرد که کنترل فضای اقتصادی فقط با دستور ممکن نیست. بازار بیش از هر چیز به اعتماد نیاز دارد و اعتماد در سایه پیش‌بینی‌پذیری شکل می‌گیرد. نمی‌توان از مردم خواست آرام باشند، در حالی که افق تصمیم‌گیری سیاسی مبهم و پیام‌های متناقض در فضای عمومی فراوان است. آنچه می‌تواند بخشی از التهاب را مهار کند، شفافیت، ثبات در مواضع، پرهیز از تشدید بی‌دلیل تنش و باز کردن مسیر گفت‌وگو با جامعه است.

سیاست بی‌اعتنا به معیشت، در نهایت سرمایه اجتماعی خود را از دست می‌دهد. جامعه‌ای که احساس کند هزینه تصمیم‌های بزرگ را بدون نقش داشتن در آن‌ها می‌پردازد، به تدریج از مشارکت فاصله می‌گیرد. بنابراین، دفاع از ثبات اقتصادی در ایران امروز، بدون دفاع از عقلانیت سیاسی، گفت‌وگوی ملی و کاهش تنش امکان‌پذیر نیست. نان و امنیت، در زندگی مردم، دو نام برای یک واقعیت‌اند: امکان زیستن با کرامت و امید

صدور حکم زندان، شلاق و ممنوعیت از کار برای پریسا احمدی و گروهش .

یادداشت - سمیرا عزتی

به محدودیت‌های موازین شرعی و قانونی تلقی می‌شود و از سوی دیگر، دستگاه قضایی با صدور این احکام، بر اجرای سخت‌گیرانه این موازین تأکید می‌کند. واکنش‌های گسترده در فضای مجازی و اعتراض نهادهای حقوق بشری نشان از آن دارد که این پرونده به یک آزمون مهم برای سنجش مرزهای آزادی‌های فردی و عمومی در نظام حقوقی و فرهنگی ایران تبدیل شده است.

پرونده پریسا احمدی را می‌توان نماد چالش‌های حل‌نشده دیوان عدالت اداری و نظام قضایی در مواجهه با پدیده‌های نوظهور اجتماعی-فرهنگی دانست. این رخداد نشان می‌دهد که «گفتمان امنیتی» در برخورد با مسائل فرهنگی همچنان بر «گفتمان حقوقی» با رویکردی تفسیری و مبتنی بر مصالح عمومی، غلبه دارد و این امر می‌تواند به بستری برای مناقشات بیشتر میان نهادهای حاکمیتی و فعالان حوزه مدنی و هنری در آینده تبدیل شود.

این پرونده را باید در بستر نبرد حقوقی و فرهنگی جاری در ایران تحلیل کرد. از منظر حقوقی، حکم صادره از دادگاه کیفری قم، خواننده و گروهش را به دلیل «نشر محتوای مبتذل و غیراخلاقی» در فضای مجازی مجرم شناخته است. اتهام «اهانت به عفت عمومی» که مستند به قوانین کیفری ایران است، مبنای این حکم قرار گرفته. با این حال، گروه‌های حقوقی خارج از کشور مانند «دادبان ۲۰۲۱» به اعتبار حقوقی این حکم و تطابق آن با موازین قانونی خدشه وارد کرده‌اند و آن را «به شدت قابل تردید» دانسته‌اند. این موضوع نشان‌دهنده وجود تفسیرهای متفاوت از قوانین و چالش‌های تطبیق آن با مصادیق نوین در حوزه هنر و فضای مجازی است.

از جنبه فرهنگی و اجتماعی، این رویداد بازتاب‌دهنده تقابل گفتمان‌های رایج در جامعه ایران است. اجرای بی‌حجاب خواننده و پخش آن در فضای مجازی، از یک سو به مثابه کنشی مدنی در اعتراض

تحلیل و نقد آرای قضایی در پرونده‌های تأمین دلیل

یادداشت-مهدی کیان

قضایی که از فرسایش دلیل جلوگیری می‌کند. دادگاه‌های محترم در این پرونده‌ها، این فلسفه را نادیده گرفته‌اند و با تفسیری صوری و خشک، یک ابزار حمایتی مهم را از شهروندان گرفته‌اند. نکته مهم این است که صرف تنظیم صورتجلسه تأمین دلیل به معنای معتبر بودن دلایل نیست و دادگاه بعداً در مورد ارزش اثباتی آن تصمیم می‌گیرد. بنابراین، نگرانی از سوءاستفاده از این نهاد نمی‌تواند توجیه‌کننده این تفسیر مضیق باشد.

سوم. پیشنهاد: وظیفه مجلس در تفسیر ماده ۱۴۹

با توجه به رویه یکسان و متعدد شعب دادگاه صلح تهران در رد درخواست‌های تأمین دلیل با این استدلال، و با عنایت به قطعی بودن این آراء که امکان اصلاح آن‌ها از طریق طرق عادی وجود ندارد، ضرورت مداخله تقنینی یا تفسیری توسط مجلس شورای اسلامی احساس می‌شود. پیشنهادات زیر قابل طرح است:

۱. اصلاح یا تفسیر ماده ۱۴۹: مجلس می‌تواند با ارائه یک تبصره یا تفسیر از ماده ۱۴۹، به صراحت اعلام دارد که «استعلام از مراجع رسمی مانند ثبت احوال، تأمین اجتماعی، و نظایر آن، در مواردی که احراز وضعیت طرف دعوا برای طرح دعوا ضروری باشد و دسترسی شهروند به آن بدون دستور قضایی ممکن نباشد، در زمره تأمین دلیل بوده و دادگاه مکلف به پذیرش و اجرای آن است.»

۲. تعیین مصادیق «تحصیل دلیل»: برای جلوگیری از تفسیرهای سلیقه‌ای، قانونگذار می‌تواند مصادیق روشنی از «تحصیل دلیل» را که خارج از شمول ماده ۱۴۹ است، احصا کند تا قضات در تشخیص مصداق دچار اشتباه نشوند. این کار مانع از آن می‌شود که دادگاه‌ها هر درخواستی را که کمی با حالت عادی تفاوت دارد، به بهانه «تحصیل دلیل» رد کنند.

۳. ایجاد رویه واحد قضایی: با عنایت به شیوع این مشکل، رئیس کل دادگستری استان تهران می‌تواند با ارسال بخشنامه و برگزاری نشست‌های توجیهی برای قضات، بر تفسیر صحیح و منطبق با فلسفه قانون از ماده ۱۴۹ تأکید کند تا رویه‌ای واحد در این زمینه ایجاد شود.

نتیجه‌گیری

درخواست‌های تأمین دلیل مطرح شده، مصداق بارز «تحصیل دلیل» نبوده، بلکه در چارچوب «تأمین دلیل» برای حفظ امکان استفاده از ادله در آینده قرار می‌گیرند. رد این درخواست‌ها توسط شعب دادگاه صلح تهران، ناشی از تفسیر نادرست و مضیق از ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی و غفلت از فلسفه این نهاد پیشگیرانه است. این رویه، عملاً شهروندان را در تنگنای اثبات حق خود قرار داده و آن‌ها را در دور باطلی از مراجعات بی‌نتیجه به دستگاه‌های مختلف گرفتار می‌کند. مداخله تفسیری مجلس شورای اسلامی برای شفاف‌سازی این مرز باریک، گامی ضروری در جهت تحقق عدالت قضایی و صیانت از حقوق شهروندی است.

معین شدن وضعیت تخلف دادرس در عدم پذیرش دعوی تأمین دلیل عملاً راه احقاق حق را به بن بست می‌رساند.

دوم. تحلیل حقوقی و نقد رأی

۱. تفاوت ماهوی «تأمین دلیل» و «تحصیل دلیل»

مطابق ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، تأمین دلیل «فقط ملاحظه و صورت‌برداری از این گونه دلایل» است. به بیان دقیق‌تر، تأمین دلیل به معنای حفظ دلیل موجود است، در حالی که تحصیل دلیل به معنای به دست آوردن دلیل جدید برای اثبات امری است. قاعده کلی در امور حقوقی، منع تحصیل دلیل از سوی دادگاه است، مگر در موارد استثنایی که قانون اجازه داده باشد.

۲. اشتباه دادگاه در مصداق‌شناسی

نقد اصلی بر آرای صادره، در تشخیص نادرست مصداق است. دادگاه‌ها در پرونده‌های مورد اشاره، اساساً موضوع را به اشتباه «تحصیل دلیل» پنداشته‌اند.

– در مورد استعلام از ثبت احوال: وقتی شخصی برای تعیین طرف دعوا و جلوگیری از ایرادات شکلی، نیازمند اطلاع از وضعیت حیات و نشانی فردی است که از او بی‌خبر است، این درخواست نه «تحصیل یک دلیل جدید»، بلکه «حفظ امکان استفاده از دلیل در آینده» است. دلیل در اینجا، همان اطلاعاتی است که در سامانه ثبت احوال موجود است و در آینده ممکن است (با فوت شخص) از دسترس خارج شود یا تعیین وراثت را دشوار سازد. این دقیقاً مصداق «دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است» و «احتمال تعذر یا تسر استفاده از آن در آینده» می‌باشد. قانونگذار به صراحت به این نکته اشاره کرده که دلایل نزد طرف دعوا یا دیگری نیز قابل تأمین است. بنابراین، اخذ استعلام از ثبت احوال، «تحصیل» دلیل نیست، بلکه «تأمین» دلیلی است که در اختیار یک مرجع ثالث قرار دارد و دسترسی به آن بدون دستور قضایی ممکن نیست. دادگاه با تفسیر مضیق خود، این نهاد را از کارکرد حمایتی خود تهی کرده است.

– در مورد شرکت شهربان: مدارک و اسناد مورد درخواست (دستورالعمل پرداخت حقوق، تصمیمات کمیته انضباطی، اظهارات مدیران) همگی دلایل موجود هستند که نزد خواننده (شرکت) قرار دارند. احتمال مفقود شدن، پنهان‌کاری یا تغییر آن‌ها توسط شرکت، یک احتمال کاملاً عقلایی است. درخواست‌کننده به دنبال «ساخت» یک دلیل جدید نیست، بلکه به دنبال «صورت‌برداری و حفظ» دلایل موجود است تا بتواند در آینده برای اثبات حق خود به آنها استناد کند. این نیز دقیقاً در چارچوب ماده ۱۴۹ می‌گنجد.

۳. نادیده گرفتن فلسفه قانون

ماده ۱۴۹، یک نهاد پیشگیرانه و اعدادی است. فلسفه آن، جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص به دلیل از بین رفتن یا غیرقابل دسترس شدن ادله است. همان‌گونه که در رویه قضایی نیز تأکید شده، تأمین دلیل پلی است میان زمان وقوع واقعه و زمان رسیدگی

چکیده

در رویه قضایی شعب دادگاه صلح تهران در مواجهه با درخواست‌های تأمین دلیل، با تفسیری مضیق از ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اغلب این درخواست‌ها را به عنوان «تحصیل دلیل» رد کرده‌اند. این نوشتار با بررسی پرونده‌های واقعی و آرای صادره، به نقد این رویه پرداخته و ضرورت مداخله تفسیری مجلس شورای اسلامی برای ترسیم مرز دقیق میان «تأمین دلیل» و «تحصیل دلیل» را تبیین می‌کند.

یکم. شرح موضوع و بیان واقعه

مخاطب این نوشتار، شخصی است با سمت‌های متعدد: کارمند پیشین شرکت شهربان، خبرنگار و مدیرمسئول پایگاه خبری پناه مردم‌نیوز، و نیز شهروندی که در دعاوی ملکی و استخدامی با انبوهی از مشکلات قضایی دست‌وپنجه نرم می‌کند. او در با سه مانع بزرگ روبه‌روست:

الف) معمای استعلام از ثبت احوال: برای طرح دعوی اعتراض ثالث یا الزام به تنظیم سند، نیاز مبرم به استعلام وضعیت حیات، فوت، وراثت و آخرین نشانی اشخاصی دارد که از آن‌ها بی‌خبر است. اما اداره ثبت احوال در پاسخ به مراجعه مستقیم شهروندان، ارائه اطلاعات را موکول به «دستور قضایی» می‌کند. او برای اخذ این دستور، به ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی توسل می‌جوید.

ب) درخواست از شرکت شهربان: او به عنوان کارگر اخراجی، از شرکت شهربان درخواست تأمین دلیل برای خارج‌نویسی و اخذ اسناد و استعلامات مربوط به پرونده انضباطی، دستورالعمل پرداخت حقوق، و اظهارات مدیران دارد. نگرانی او از این است که با گذشت زمان، این مدارک از بین برود یا دسترسی به آن‌ها متعسر شود.

ج) درخواست برای اثبات معامله: در پرونده‌ای دیگر، او برای اثبات وقوع یک معامله ملکی که سند عادی آن مفقود شده، از دادگاه درخواست تأمین دلیل از طریق شهادت شهود و اخذ سوگند می‌کند، چرا که بیم دارد شهود در آینده در دسترس نباشند.

در تمامی این موارد، شعب مختلف دادگاه صلح تهران (شعب ۴۰، ۴۱ و ۹۳) با استناد به ماده ۱۴۹ و با این استدلال که درخواست‌ها مصداق «تحصیل دلیل» است و تأمین دلیل تنها به «حفظ و صورت‌برداری از دلایل موجود» محدود می‌شود، قرار رد درخواست را صادر کرده‌اند. قضات این شعب معتقدند که چون موضوع درخواست، «تحصیل» یک دلیل جدید است (مانند اخذ پاسخ از ثبت احوال یا استعلام از شرکت)، نه «حفظ» دلیل موجود، از شمول ماده ۱۴۹ خارج است و دادگاه صلاحیت ورود ندارد. این آراء به دلیل قطعی بودن، قابل اعتراض در مراجع بالاتر نیستند.

وقتی از کمیسیون انتشار و دسرسی آزاد به اطلاعات وابسته به وزارت ارشاد تقاضا می‌کنی اطلاعاتی را در اختیار خواهان بگذارند عملاً پاسخی قاطع نمی‌دهند و راه دسرسی به دلیل را می‌بندند. وقتی به دادرسی انتظامی قضات مراجعه می‌کنی با رد تقاضا و صدور قرار موقوفی تعقیب بدون رضایت شاکی برای قاضی متخلف و صدور قرار منع تعقیب برای قاضی متخلف و نیز و عدم پاسخ متقن برای

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا»

شماره دادنامه: 140368390016793572
تاریخ تنظیم: 1403/10/26
شماره پرونده: 140368920006309135
شماره بایگانی شعبه: 0300228

شعبه 40 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران
دادنامه

دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه 140368920006309135 شعبه 40 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران تصمیم نهایی شماره 140368390016793572

خواهان: آقای مهدی کیان فرزند الهه ویردی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - وفادار شرقی بین خیابان 133 و 135 شرقی-کوچه 222 شرقی-پلاک 311

خوانده: شهریان و حریم بان شهرداری تهران به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - میرداماد -خیابان شهید قدوسی - کوچه 12 بهمن - پلاک 20 - شرکت شهریان و حریم بان شهرداری تهران

خواسته: تأمین دلیل

قرار رد تأمین دلیل

در خصوص درخواست آقای مهدی کیان فرزند الهه ویردی به طرفیت شهریان و حریم بان شهرداری تهران داور بر تأمین دلیل در خصوص خارج نویسی و اخذ اسناد و استعلامات مورد نیاز که نزد خوانده قرار دارد باتوجه به محتویات پرونده درخواست به نظر مردود است زیرا تأمین دلیل تنها از راه تأمین دلیل میسر است و آن چیزی نیست جز صورت برداری از دلایل و مدارک موجود برای اثبات دعوی آینده که ممکن است ادله موجود در آینده موجود نباشد و به تعذر و تعسر در ارائه ادله در آتی منجر گردد. تأمین دلیل حفظ دلیل موجود است نه جمع آوری یا تحصیل دلیل وقتی موضوع تأمین دلیل درخواستی در آینده هم موجود است و از تأمین دلیل خروجی موضوعی دارد. فرق است بین حفظ دلیل از طریق تأمین دلیل باجمع آوری و تحصیل دلیل. دادگاه در مورد اخیر حق ورود ندارد و اساساً موضوع قابل طرح از طریق تأمین دلیل نیست. تأمین دلیل صرفاً در محدوده ماده 149 قانون آیین دادرسی مدنی مسیر است و بغیر آن از این رهیافت مسدود و مقتضی ورود هم مفقود است. بدین سان مستنداً با وحدت ملاک ماده 2 ناظر 149 آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست تأمین دلیل راصادر و اعلام می گردد. تصمیم صادره قطعی است.

شعبه 40 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران - مصطفی وثاکی مهران

امضای صادر کننده

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: ضلع شمال شرقی میدان ونک - کوچه شهید مسعود صائمی- مجتمع قضایی شماره 3 دادگاه های صلح تهران(ساختمان شهید باقری)

بسمه تعالی

شماره قرار: ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۹۱۴۲۸۰۰
تاریخ تنظیم: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰
شماره پرونده: ۱۴۰۴۶۸۹۲۰۰۰۷۲۱۰۰۰۹۳
شماره بایگانی شعبه: ۰۴۰۲۵۶۰

شعبه ۹۳ دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره ۵ دادگاههای صلح تهران
دادنامه

دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۹۱۴۲۸۰۰۰۷۲۱۰۰۰۹۳ شعبه ۹۳ دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره ۵ دادگاههای صلح تهران تصمیم نهایی شماره ۱۴۰۴۶۸۳۹۰۰۱۹۱۴۲۸۰۰

خواهان: آقای مهدی کیان فرزند الهه ویردی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - وفادار شرقی-بین خیابان ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی-کوچه ۲۲۲ شرقی-پلاک ۳۱۱

خوانده: سازمان ثبت احوال کشور به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - تهران - خیابان امام خمینی - سازمان ثبت احوال کشور

خواسته: تأمین دلیل

قرار دادگاه

در خصوص درخواست خواهان مهدی کیان علیه سازمان ثبت احوال کشور خواسته تأمین دلیل به شرح درخواست با توجه به اینکه اعمال مقررات ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی به جهت حفظ و صورت برداری از ادله بوده و به معنای تحصیل دلیل نمی باشد در حالی که موضوع مندرج در درخواست خواهان مبنی بر (موضوع) بشرح متن دادخواست نوعی تحصیل دلیل می باشد و موضوع از مواردی نیست که استفاده از دلایل و مدارک نیز در آینده متعذر یا متعسر گردد، لذا دادگاه مستنداً به ماده ۱۵۱ و ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست خواهان را صادر و اعلام می دارد. قرار صادره قطعی است.

قاضی شعبه ۹۳ دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره ۵ دادگاههای صلح تهران - حسین میشان

تصویر برابر با اصل است.

استان تهران - شهرستان تهران - خیابان دماوند- اول وحیدیه- خیابان شهید داودی- مجتمع قضایی شماره ۵ دادگاه های صلح تهران(ساختمان شهید سیاد شیرازی)

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا»

شماره دادنامه: 140368390020196473
تاریخ تنظیم: 1403/12/16
شماره پرونده: 140368920008108134
شماره بایگانی شعبه: 0301635

شعبه 41 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران
دادنامه

دادگستری کل استان تهران

پرونده کلاسه 140368920008108134 شعبه 41 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران تصمیم نهایی شماره 140368390020196473

خواهان: آقای مهدی کیان فرزند الهه ویردی به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - وفادار شرقی بین خیابان 133 و 135 شرقی-کوچه 222 شرقی-پلاک 311

خوانده: شهریان و حریم بان شهرداری تهران به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - شهر تهران - میرداماد -خیابان شهید قدوسی - کوچه 12 بهمن - پلاک 20 - شرکت شهریان و حریم بان شهرداری تهران

خواسته: تأمین دلیل

گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته‌ی فوق بطرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق‌العاده شعبه بتصدی امضاءکنندگان ذیل تشکیل است و با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی را اعلام و به شرح ذیل مبادرت به اتخاذ تصمیم می‌نمایم.

(قرار دادگاه)

درخصوص دعوی مطروحه از سوی خواهان مهدی کیان فرزند الهه ویردی به طرفیت خوانده شرکت شهریان و حریم بان شهرداری تهران به خواسته تأمین دلیل مبنی بر بررسی و اخذ قراردادهای منعقد خوانده با شرکتهای تابعه و اخذ اظهارات پرسنل این شرکتها در راستای کشف دلیل مبنی بر تخلفات خوانده، باتوجه به محتویات پرونده درخواست خواهان به نظر مردود است زیرا تأمین دلیل تنها از راه تأمین دلیل میسر است و آن چیزی نیست جز صورت برداری از دلایل و مدارک موجود برای اثبات دعوی آینده که ممکن است ادله موجود در آینده موجود نباشد و به تعذر و تعسر در ارائه ادله در آتی منجر گردد. تأمین دلیل حفظ دلیل موجود است نه جمع آوری یا تحصیل دلیل، وقتی موضوع تأمین دلیل درخواستی در آینده هم موجود است اساساً از موارد تأمین دلیل نیست و از تأمین دلیل خروجی موضوعی دارد فرق است بین حفظ دلیل از طریق تأمین دلیل یا جمع آوری و تحصیل دلیل که دادگاه در مورد اخیر حق ورود ندارد و اساساً موضوع قابل طرح از طریق تأمین دلیل نیست تأمین دلیل صرفاً در محدوده ماده 149 و 151 قانون آیین دادرسی مدنی میسر است و با بغیر آن از این رهیافت مسدود و مقتضی ورود هم مفقود است فلسفه تأمین دلیل رفع تعذر و تعسر در آینده است و جمع آوری ادله خارج از آن، فاقد محل و موقعیت قانونی است بدین سان خواسته مطروحه را فاقد وجاهت قانونی دانسته مستفاد از وحدت ملاک ماده 2 ناظر بر ماده 149 قانون آیین دادرسی مدنی قرار رد درخواست تأمین دلیل را صادر و اعلام می‌نماید. تصمیم صادره قطعی است. (41:03)

امضای صادر کننده

دائرس دادگاه شعبه 41 دادگاه صلح مجتمع قضایی شماره 3 دادگاههای صلح تهران - نادر پوربیک محمد

تصویر برابر با اصل است.

نشانی: ضلع شمال شرقی میدان ونک - کوچه شهید مسعود صائمی- مجتمع قضایی شماره 3 دادگاه های صلح تهران(ساختمان شهید باقری)

خانواده، نسل جوان و رسانه؛ دگرگونی‌های فرهنگی ایران در بهار پرحادثه

یادداشت - مرجان یارمحمدی



زبان مشترکی میان نسل‌ها بسازند، بخشی از فشار بحران جذب می‌شود. اگر نه، هر خبر تازه می‌تواند به شکافی تازه در درون خانواده و جامعه تبدیل شود.

نسل جوان ایران نیازمند آن است که در تحلیل‌ها فقط به عنوان مخاطب بحران دیده نشود، بلکه به عنوان حامل امکان تغییر نیز فهم شود. جوانان اگر احساس کنند فقط باید بار اضطراب را حمل کنند، از مشارکت فاصله می‌گیرند. اما اگر برای آنان نقش، صدا و امکان گفت‌وگو تعریف شود، می‌توانند از دل همین بهار پرحادثه، حامل انرژی بازسازی اجتماعی باشند.

فرهنگ یک جامعه در لحظه‌های دشوار، بیش از هر چیز در نسبت میان خانه و رسانه آشکار می‌شود. اگر خانواده بتواند در برابر سیل خبر، معنا و آرامش تولید کند، و اگر رسانه بتواند به جای آشوب، فهم بیافریند، جامعه از این فصل پرتنش عبور خواهد کرد؛ نه بی‌هزینه، اما با سرمایه‌ای که برای آینده لازم است: حفظ پیوند انسانی میان نسل‌ها.

زیست روزانه اوست. او هم‌زمان با یک واقعه، با ده‌ها روایت، تحلیل، شایعه، تصویر و واکنش روبه‌رو می‌شود. این فشردگی اطلاعاتی، هم آگاهی ایجاد می‌کند و هم فرسودگی. جوانی که هر روز با اخباری از تنش، تهدید، گرانی، بحران و بی‌ثباتی مواجه است، به تدریج ممکن است یا به شدت واکنشی شود یا به کلی دچار بی‌حسی و کناره‌گیری. در خانواده‌ها، این فشار رسانه‌ای اغلب به سوءتفاهم نسلی تبدیل می‌شود. والدین گاه نگرانی فرزند را اغراق‌آمیز می‌دانند و جوانان، احتیاط والدین را ناتوانی در فهم زمانه تعبیر می‌کنند. در چنین فضایی، گفت‌وگو دشوار اما ضروری است. جامعه‌ای که در آن خانواده نتواند میان تجربه نسل‌ها پلی برقرار کند، بحران را با هزینه عاطفی بیشتری تحمل خواهد کرد.

از این منظر، بهار ۱۴۰۵ فقط زمانه خبرهای بزرگ نیست؛ زمانه ضرورت بازسازی گفت‌وگوهای کوچک نیز هست. مدرسه، دانشگاه، رسانه‌های مسئول، نهادهای فرهنگی و انجمن‌های اجتماعی می‌توانند در این میان نقش مهمی ایفا کنند. اگر این نهادها بتوانند

هر بحران بزرگ، پیش از آنکه در اسناد رسمی ثبت شود، در خانه‌ها دیده می‌شود. در لحن گفت‌وگوهای خانوادگی، در سکوت نسل‌ها، در نگرانی والدین، در بی‌حوصلگی جوانان و در شیوه‌ای که خبر از تلفن همراه به درون زندگی روزمره راه پیدا می‌کند.

خانواده ایرانی در سال‌های اخیر بار زیادی را به دوش کشیده است؛ از فشار معیشتی گرفته تا نااطمینانی نسبت به آینده. در چنین شرایطی، خانواده تنها واحد عاطفی جامعه نیست، بلکه به پناهگاه روانی و گاه تنها محل بازسازی امید تبدیل می‌شود. اما همین نهاد، زیر فشار بحران، خود نیز آسیب‌پذیر می‌شود. وقتی اضطراب عمومی بالا می‌رود، شکاف نسلی آشکارتر می‌شود. والدین بیشتر به امنیت و احتیاط می‌اندیشند، جوانان بیشتر از انسداد، تکرار و بی‌آیندگی سخن می‌گویند، و زبان مشترک میان این دو نسل دشوارتر پیدا می‌شود.

رسانه در این میان عامل تشدیدکننده و در عین حال میانجی است. نسل جوان امروز بیش از هر نسل دیگری زندگی خود را از خلال رسانه تجربه می‌کند. خبر برای او فقط یک اطلاع نیست؛ بخشی از

اقتصاد دانش بنیان و چالش‌های پیش روی زیست‌بوم نوآوری در ایران

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

از منظر پژوهشی، پیوند زیست‌بوم نوآوری با بازارهای بین‌المللی نیز اهمیتی حیاتی دارد. بازارهای کوچک داخلی ممکن است در درازمدت ظرفیت کافی برای توسعه شرکت‌های بزرگ را نداشته باشند. ایجاد بسترهای مناسب برای صادرات محصولات فناوری‌محور، انتقال فناوری و تعامل علمی با کشورهای منطقه و جهان، می‌تواند افق‌های جدیدی پیش روی فعالان این حوزه باز کند.

در نهایت، حفظ و تقویت منابع انسانی متخصص، ستون فقرات اقتصاد دانش بنیان است. ایجاد انگیزه‌های شغلی، شفاف‌سازی چشم‌انداز اقتصادی آینده و ایجاد فضای آزاد برای ابداع و خلاقیت، تضمین‌کننده ماندگاری و پویایی نخبگانی است که ثروت واقعی فردا را تولید می‌کنند.

خطرپذیر، با بحران نقدینگی مواجه می‌شوند. توسعه بازارهای مالی نوین مانند صندوق‌های پژوهش و فناوری و حضور موثرتر بازار سرمایه در تامین مالی نوآوری، می‌تواند حیات این بخش را تضمین کند.

چالش دیگر، بوروکراسی اداری و قوانین حمایتی است. اگرچه قوانین مناسبی برای حمایت از شرکت‌های دانش بنیان تدوین شده، اما فرآیندهای طولانی ارزیابی، موانع مالیاتی و پیچیدگی‌های مربوط به بیمه تامین اجتماعی گاهی از سرعت حرکت این نهادهای پویا می‌کاهد. تسهیل مقررات کسب‌وکار و ایجاد پنجره‌های واحد خدماتی، از ضرورت‌های بهبود محیط فعالیت شرکت‌های فناور به شمار می‌رود.

شکل‌گیری و گسترش زیست‌بوم نوآوری و اقتصاد دانش بنیان در سال‌های اخیر، یکی از نقاط عطف در ساختار اقتصادی و علمی کشور بوده است. پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها و شرکت‌های دانش بنیان توانسته‌اند با بهره‌گیری از توان جوانان متخصص و خلاق، گام‌های ارزشمندی در جهت خودکفایی فناوری، ایجاد اشتغال تخصصی و کاهش وابستگی به درآمدهای خام نفتی بردارند. با این وجود، پایداری این زیست‌بوم نیازمند مواجهه با چالش‌های پیش رو است.

یکی از موضوعات کلیدی در توسعه زیست‌بوم فناوری، دسترسی به منابع مالی پایدار و سرمایه‌گذاری خطرپذیر است. بسیاری از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوپا در مراحل اولیه رشد به دلیل پیچیدگی‌های اخذ تسهیلات سنتی و نبود سرمایه‌گذاران تخصصی

دگرگونی در نظم ژئوپلیتیک انرژی؛ فرصت‌ها و چالش‌های همکاری منطقه‌ای

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

از جنبه پژوهشی، پایداری انرژی داخلی نیز موضوعی کلیدی است. بهینه‌سازی مصرف، نوسازی نیروگاه‌های قدیمی و کاهش اتلاف انرژی در شبکه‌های توزیع، پیش‌شرط‌هایی هستند که بدون تحقق آن‌ها، امکان ایفای نقش فعال در بازارهای منطقه‌ای کاهش می‌یابد. ارتباط مستمر با نهادهای علمی بین‌المللی برای انتقال فناوری‌های نوین مهار کربن نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

در نهایت، دگرگونی‌های نظم انرژی، فرصت‌های بی‌نظیری برای بازتعریف نقش‌های استراتژیک در عرصه بین‌الملل فراهم می‌کند. کشورهایی که بتوانند با برنامه‌ریزی هوشمندانه، توازن میان توسعه انرژی‌های نو و مدیریت ذخایر فسیلی ایجاد کنند، از پایداری اقتصادی و دیپلماتیک بالاتری برخوردار خواهند بود.

در منطقه خاورمیانه، کشورهای متعددی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای برای توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر آغاز کرده‌اند. این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری بازارهای جدید انرژی و هم‌گرایی در بخش شبکه‌های انتقال برق مشترک میان کشورهای همسایه شده است.

علاوه بر این، پروژه‌های انتقال گاز و کریدورهای جدید انرژی، بیش از آنکه جنبه اقتصادی داشته باشند، ابزارهایی برای پیوند دادن منافع ملی کشورها به یکدیگرند. خطوط انتقال، ایستگاه‌های مشترک و توافق‌های درازمدت خرید و فروش انرژی، شبکه‌ای از وابستگی متقابل مثبت ایجاد می‌کنند که مانعی در برابر تنش‌های سیاسی خواهد بود. در این چارچوب، دیپلماسی انرژی باید ابزاری برای تقویت صلح پایدار و همکاری‌های چندجانبه منطقه‌ای باشد.

بازار جهانی انرژی در سال‌های اخیر دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده است. تغییرات اقلیمی، نیاز مبرم به کاهش کربن، سرمایه‌گذاری‌های عظیم در انرژی‌های تجدیدپذیر و نوسانات ژئوپلیتیک بین‌المللی، ساختار سنتی عرضه و تقاضا را دگرگون ساخته‌اند. در این میان، منطقه غرب آسیا به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم فسیلی و موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد، در مرکز این گذار جهانی قرار دارد. تحلیل این روندها برای اتخاذ رویکردی فعال در دیپلماسی انرژی ضرورت دارد.

روند رو به رشد سرمایه‌گذاری روی فناوری‌های سبز و انرژی‌های خورشیدی و بادی، نشان‌دهنده آن است که کشورهای تولیدکننده انرژی‌های فسیلی باید به تدریج سبد صادراتی خود را متنوع کنند.

زیست‌پذیری شهری و پیوندهای اجتماعی در شهرهای امروز ایران

یادداشت-تحریریه فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

نیز از اهمیت پژوهشی بالایی برخوردار است. مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های محلی، از طراحی پارک‌های کوچک محله‌ای گرفته تا نظارت بر مدیریت پسماند، حس تعلق به شهر را تقویت می‌کند. هرچه شهروندان خود را در اداره امور شهر سهیم‌تر بدانند، تاب‌آوری جامعه شهری در مواجهه با بحران‌های احتمالی زیست‌محیطی یا اجتماعی افزایش خواهد یافت.

در نهایت، توسعه شهری موفق، فرآیندی است که انسان و نیازهای پیوندجویانه او را در مرکز توجه قرار دهد. شهرهای ما زمانی زیست‌پذیر خواهند بود که به فضایی برای زندگی ایمن، پرنشاط و تعاملی برای همه اقشار جامعه تبدیل شوند.

رو، رویکردهای نوین برنامه‌ریزی شهری بر توسعه محله‌محور و دسترسی عادلانه به خدمات عمومی تاکید می‌کنند تا از این طریق، محلات به فضاهایی زنده و تعاملی تبدیل شوند.

پیوندهای اجتماعی در شهرها از طریق فضاهای عمومی مشترک مانند پارک‌ها، فرهنگسراها، پیاده‌راه‌ها و میدان‌ها تقویت می‌شوند. در این فضاهاست که شهروندان خارج از قالب‌های رسمی، با یکدیگر تعامل و گفت‌وگو می‌کنند. کاهش سهم فضاهای عمومی پیاده‌محور به نفع توسعه معابر خودرویی در دهه‌های اخیر، بخشی از فرصت‌های گفت‌وگوی اجتماعی را محدود کرده است. بازگرداندن اولویت به عابران پیاده و فضاهای باز شهری، گامی کلیدی در جهت بازآفرینی سرمایه اجتماعی است.

نقش تشکلهای محلی و انجمن‌های مدنی در مدیریت شهری

کلان‌شهرهای مدرن، کانون‌های تمرکز جمعیت، ثروت و فرصت‌ها هستند، اما هم‌زمان با چالش‌های زیست‌محیطی، کالبدی و اجتماعی بزرگی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند. مفهوم «زیست‌پذیری شهری» به معنای سنجش میزان انطباق محیط شهر با نیازهای مادی، روانی و اجتماعی شهروندان است. ارتقای زیست‌پذیری نه تنها کیفیت زندگی روزمره را بهبود می‌بخشد، بلکه بستری برای بازسازی و تقویت پیوندهای اجتماعی در کلان‌شهرها فراهم می‌سازد.

در ارزیابی زیست‌پذیری شهری، شاخص‌هایی نظیر دسترسی به فضای سبز، حمل‌ونقل عمومی کارآمد، کیفیت هوا و پایداری زیرساخت‌ها در اولویت قرار دارند. توزیع نابرابر خدمات شهری می‌تواند به شکاف‌های فضایی و اجتماعی دامن بزند؛ موضوعی که در درازمدت احساس همبستگی شهری را کاهش می‌دهد. از این

فرهنگ در زمانه نااطمینانی؛ بهار ۱۴۰۵ و آزمون تاب‌آوری اجتماعی

یادداشت - مرجان یارمحمدی

از سوی دیگر، رسانه‌ها در این میان نقش دوگانه دارند. آن‌ها می‌توانند به تقویت درک عمومی، همدلی و آرامش کمک کنند، یا برعکس، با بزرگ‌نمایی بحران و تکرار روایت‌های بی‌افق، بر اضطراب اجتماعی بیفزایند. جامعه امروز ایران بیش از هر زمان دیگر به نوعی روزنامه‌نگاری مسئولانه و فرهنگ‌ساز نیاز دارد؛ روزنامه‌نگاری‌ای که بحران را انکار نکند، اما آن را به یأس مطلق نیز ترجمه نکند.

فرهنگ در زمانه نااطمینانی، فقط حافظه یک جامعه نیست؛ سپر نرم آن نیز هست. اگر بهار ۱۴۰۵ برای ایران فصلی دشوار باشد، آنچه می‌تواند از شدت فرسایش اجتماعی بکاهد، فقط تصمیم‌های اقتصادی یا امنیتی نیست، بلکه بازسازی سرمایه فرهنگی جامعه است. مردمی که هنوز می‌توانند به هم تکیه کنند، گفت‌وگو کنند، سوگواری و امید را با هم حمل کنند، کمتر در برابر بحران از هم می‌پاشند. شاید مهم‌ترین نشانه بلوغ یک جامعه در روزهای سخت، همین باشد: حفظ انسانیت در دل اضطراب.

در چنین وضعی، پرسش اصلی این است که جامعه چگونه خود را حفظ می‌کند؟ پاسخ را باید در مفهوم تاب‌آوری فرهنگی جست‌وجو کرد. تاب‌آوری فرهنگی فقط صبر کردن نیست؛ توانایی جامعه برای حفظ پیوندهای انسانی، تولید معنا در دل بحران، بازسازی زبان امید و جلوگیری از فروپاشی اخلاق جمعی است. این تاب‌آوری در خانواده، محله، مدرسه، انجمن‌های محلی، گروه‌های داوطلبانه، کانون‌های فرهنگی و حتی در شیوه حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد.

بهار ۱۴۰۵ می‌تواند آزمون مهمی برای همین شبکه‌های غیررسمی و نیمه‌رسمی باشد. اگر این شبکه‌ها فعال باشند، جامعه در برابر فشارها کمتر منفرد می‌شود. برای مثال، یک انجمن فرهنگی کوچک، یک گروه خیریه محلی، یک جمع دانشگاهی یا حتی یک حلقه کتاب‌خوانی می‌تواند نقشی بیشتر از اندازه ظاهری خود ایفا کند؛ زیرا به افراد یادآوری می‌کند که هنوز می‌توان با دیگری سخن گفت، تجربه‌ها را به اشتراک گذاشت و از احساس فروپاشی فاصله گرفت. جامعه‌ای که کانال‌های ارتباط فرهنگی خود را از دست بدهد، در برابر موج ترس و شایعه بسیار ژرف‌تر می‌شود.

فرهنگ، نخستین چیزی نیست که در روزهای بحران به چشم می‌آید، اما از نخستین حوزه‌هایی است که دگرگون می‌شود. وقتی جامعه وارد دوره‌ای از نااطمینانی سیاسی، فشار اقتصادی و التهاب خبری می‌شود، فقط بازار و سیاست نیست که تغییر می‌کند؛ زبان مردم، شیوه ارتباط، نوع همدلی، شکل نگرانی و حتی تعریف امید نیز دگرگون می‌شود. بهار ۱۴۰۵ برای جامعه ایران، از این نظر، فقط یک فصل پرخطر نیست؛ یک موقعیت فرهنگی است که می‌تواند ظرفیت تاب‌آوری اجتماعی را آشکار یا فرسوده کند.

در شرایط عادی، فرهنگ روزمره بر تداوم استوار است؛ مردم کار می‌کنند، معاشرت دارند، برنامه‌ریزی می‌کنند، جشن می‌گیرند، سفر می‌روند و آینده را هرچند محدود، اما قابل تصور می‌دانند. اما در فضای نااطمینانی، این ریتم به هم می‌ریزد. آینده کوتاه‌تر می‌شود، گفت‌وگوها سنگین‌تر می‌شوند، شوخی‌ها تلخ‌تر می‌شوند و میل به کناره‌گیری از جمع بیشتر می‌شود. جامعه ممکن است همچنان ظاهراً به زندگی روزانه ادامه دهد، اما در لایه‌های زیرین، خستگی فرهنگی انباشته می‌شود؛ خستگی‌ای که اگر نادیده گرفته شود، به بی‌حسی اجتماعی و کاهش مشارکت مدنی می‌انجامد.

معیشت خانوار ایرانی در شرایط نااطمینانی اقتصادی

یادداشت - فرشته کیان

کلان، پیام‌های مهمی درباره احساس عمومی نسبت به ثبات اقتصادی در بردارد.

در بررسی این وضعیت، توجه به تفاوت میان گروه‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد. خانوارهای حقوق‌بگیر، بیش از دیگران از فاصله میان درآمد ثابت و هزینه‌های متغیر اثر می‌پذیرند. مشاغل غیررسمی نیز به دلیل وابستگی بیشتر به رونق بازار، حساسیت بالاتری نسبت به تغییرات محیط اقتصادی دارند. در سوی دیگر، بخشی از طبقه متوسط شهری بیش از آنکه با کاهش ناگهانی درآمد روبه‌رو باشد، با دشواری در حفظ سطح پیشین زندگی مواجه است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که مطالعه معیشت خانوار باید فراتر از اعداد کلی انجام شود و به لایه‌های مختلف تجربه اقتصادی مردم توجه داشته باشد.

از نگاه پژوهشی، یکی از مهم‌ترین نکات آن است که معیشت فقط مسئله تأمین نیازهای روزمره نیست؛ شاخصی از کیفیت اطمینان اجتماعی نیز هست. هرچه خانواده بتواند برای ماه‌ها و فصل‌های پیش‌رو برنامه‌ریزی کند، می‌توان گفت ثبات بیشتری در محیط اقتصادی احساس می‌شود. برعکس، هرچه تصمیم‌ها کوتاه‌مدت‌تر و احتیاطی‌تر شوند، نشانه‌ای از محدودتر شدن افق اقتصادی پدیدار می‌شود.

بهار ۱۴۰۵ در این معنا، فرصتی برای بازخوانی این واقعیت است که اقتصاد در زندگی مردم، پیش از هر چیز با قابلیت پیش‌بینی‌پذیری سنجیده می‌شود. خانواده‌ها بیش از آنکه به وعده‌های بزرگ واکنش نشان دهند، به امکان برنامه‌ریزی برای زندگی روزمره توجه می‌کنند. از همین رو، مطالعه معیشت خانوار در این فصل می‌تواند به درک دقیق‌تر رابطه میان ثبات اقتصادی، رفتار مصرفی و انتظارات اجتماعی کمک کند.

معیشت خانوار در فضای نااطمینانی؛ نگاهی به بهار ۱۴۰۵

اقتصاد خانوار، دقیق‌ترین جایی است که تحولات کلان در آن بازتاب پیدا می‌کند. بسیاری از روندهایی که در سطح سیاست، بازار یا روابط خارجی شکل می‌گیرند، در نهایت خود را در الگوی مصرف، شیوه پس‌انداز، تصمیم‌های روزمره و افق برنامه‌ریزی خانواده‌ها نشان می‌دهند. از این منظر، بهار ۱۴۰۵ را می‌توان دوره‌ای دانست که مطالعه وضعیت معیشت خانوار ایرانی در آن، تصویری روشن‌تر از کیفیت اثرگذاری تحولات عمومی بر زندگی مردم به دست می‌دهد.

خانوار ایرانی در سال‌های گذشته به تدریج یاد گرفته است که خود را با درجات مختلفی از نوسان اقتصادی تطبیق دهد. این تطبیق، البته به معنای رفع دشواری‌ها نیست، بلکه بیشتر نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی رفتار احتیاطی در مدیریت هزینه‌هاست. در دوره‌هایی که نااطمینانی در فضای عمومی افزایش می‌یابد، خانواده‌ها معمولاً سه واکنش اصلی نشان می‌دهند: اولویت دادن به هزینه‌های ضروری، کاهش خریدهایی قابل تعویق و افزایش حساسیت نسبت به آینده درآمد. این سه واکنش، نه فقط الگوی مصرف، بلکه نوع نگاه مردم به آینده را نیز تغییر می‌دهد.

بهار ۱۴۰۵ از این جهت قابل توجه است که معیشت خانوار در آن تنها تابع شاخص‌های اقتصادی متعارف نیست، بلکه از فضای روانی بازار نیز اثر می‌پذیرد. در اقتصاد ایران، انتظارات نقش مهمی در رفتار روزانه مردم دارند. وقتی خانواده‌ها نسبت به ثبات قیمت‌ها، دوام درآمد یا هزینه‌های پیش‌رو اطمینان کمتری داشته باشند، نوعی انقباض رفتاری در تصمیم‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. این انقباض ممکن است در ظاهر به صورت صرفه‌جویی بروز کند، اما در سطح

فصلنامه الکترونیکی پناه مردم

مدیر مسئول، سردبیر و صاحب امتیاز:

مهندس مهدی کیان

شماره مجوز: ۸۳۵۸۳

وبسایت نشریه پناه مردم:

www.panahemardom.ir

وبسایت پایگاه خبری پناه مردم نیوز:

www.panahemardomnews.ir

طراح: فرشته زند

نظارت بر چاپ و ویرایش و طراحی نشریه:

مؤسسه فرهنگی پناه اندیشه ورزان

نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس،

وفادار شرقی، بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی،

کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱

۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳ - ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸

تلفکس: ۰۲۱-۷۷۵۶۷۶۵۱

ما در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:



@panahemardom



صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت

www.jaaar.com

جـاـاـر